

مبانی فقهی - حقوقی، اصول و سیاست‌های حمایت از زنان بی‌سرپرست و بدسرپرست با رویکردی بر اندیشه‌های امام خمینی (س)

فریبا حاجی علی^۱

مهديه محمد تقی زاده^۲

چکیده: زنان بی‌سرپرست و بدسرپرست به دلایلی چون فقر و وضعیت اقتصادی نامناسب، مشکلات اجتماعی- فرهنگی و شرایط روحی- روانی ویژه‌ای که دارند، از جمله آسیب‌پذیرترین اقشار جامعه به شمار می‌آیند. با توجه به داده‌های آماری که حاکی از روند رو به رشد تعداد زنان بی‌سرپرست و سرپرست خانوار در سه دهه اخیر است و مشکلات فراوان این زنان، نگاه ویژه به مسائل و مشکلات آنها امری ضروری و تأمین نیازهای اساسی آنان از مهم‌ترین وظایف حکومت است. مطابق با آموزه‌های مکتب اسلام، حاکم حکومت اسلامی به عنوان سرپرست جامعه با توجه به منابع مالی و ولایتی که بر افراد جامعه دارد، ملزم است که توجه ویژه در امور این زنان داشته باشد و آنها را تحت حمایت خود قرار دهد. این امر در نظام جمهوری اسلامی ایران نیز از مبانی مستحکمی برخوردار است. امام خمینی رهبر کبیر انقلاب، نیز در توصیه‌های خود خطاب به مسئولین توجه به مستضعفان و محرومین را، که این قشر از زنان شامل آنها می‌شوند، سفارش نموده‌اند (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۱۷: ۳). با این توصیف، در این مقاله به بررسی مبانی فقهی و حقوقی حمایت از زنان بی‌سرپرست و بدسرپرست پرداخته شده است و پس از اثبات ولایت حاکم و التزام او بر توجه به مسائل اقشار نیازمند جامعه خصوصاً زنان بی‌سرپرست و بدسرپرست، اصول و سیاست‌هایی که بر طبق آموزه‌های فقهی و حقوقی، در جمهوری اسلامی ایران برای حمایت از این قشر آسیب‌پذیر به کار گرفته شده، بیان گردیده است.

کلیدواژه‌ها: مبانی، اصول و سیاست‌ها، ولایت، عدالت اجتماعی، رفاه، امنیت، حقوق شهروندی

1. عضو هیأت علمی گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشگاه الزهراء (س)

2. دانشجوی دکتری حقوق زن در اسلام دانشگاه تربیت مدرس

1. عضو هیأت علمی گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشگاه الزهراء (س)

2. دانشجوی دکتری حقوق زن در اسلام دانشگاه تربیت مدرس

مقدمه

حمایت حاکم جامعه اسلامی از زنان بی سرپرست و بدسرپرست در نظام حقوقی اسلام خصوصاً در آموزه‌های مذهب تشیع سابقه و پیشینه قوی دارد؛ با توجه به مبانی غنی اسلامی، حاکمان حکومت اسلامی می‌بایست در امور اقتصادی و اجتماعی زنانی که از عهده مخارج خود برنمی‌آیند و مشکلات فراوانی را متحمل می‌شوند توجه ویژه‌ای داشته باشند حاکم جامعه اسلامی موظف است تا با صرف منابع بیت المال؛ همچون زکات، خمس، انفال و... که در اختیار اوست، اقشار نیازمندی چون زنان بی سرپرست و بدسرپرست را مورد حمایت قرار دهد.

۱) مبانی حمایت از زنان بی سرپرست و بدسرپرست

در بحث از مبانی الزام حاکم جامعه اسلامی به عنوان سرپرست جامعه، به حمایت از زنان بی سرپرست و بدسرپرست باید به دو دسته ادله اشاره نمود:

۱-۱) ادله عام

در دسته ادله عام در خصوص ضرورت حمایت حاکم از زنان بی سرپرست و بدسرپرست، با بهره‌گیری از ادله نقلی شرعی (آیات و روایات) و دلیل عقل، بحث ولایت حاکم در امور حسبه و ولایت حاکم بر کسی که ولی ندارد (بر طبق روایت السلطان ولی من لا ولی له)، می‌توان گفت که عمومیت این ادله، زنان بی سرپرست و بدسرپرست را نیز دربرمی‌گیرد و ضرورت حمایت حاکم از این قشر را نیز می‌رساند و مسئولیت حاکم را در حمایت از این قشر ثابت می‌کند.

الف) آیات، روایات و دلیل عقل

بر طبق آیات و روایات متعددی، حاکم امت اسلامی به عنوان رهبر و سرپرست امت، تکالیفی را در قبال افراد پیدا می‌کند. لذا در خصوص زنان بی سرپرست و بدسرپرست نیز مسئولیت می‌یابد؛ حکم عقل نیز مؤید این معنا است.

آیات: در بسیاری از آیات، هدف بعثت‌ها و تشکیل حکومت‌ها، برقراری نظام عادلانه اجتماعی مطرح شده است. از جمله این آیات می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

- «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ»

(حدید: ۲۵).

- «وَاعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَ

الْمَسَاكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ» (انفال: ۴۱).

- «خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَتُزَكِّيهِمْ بِهَا وَصَلِّ عَلَيْهِمْ» (توبه: ۱۰۳).

در این آیات پیامبر اکرم (ص) و به تبع ایشان سایر حکام جامعه اسلامی، مأمور شده‌اند که مالیات‌هایی نظیر خمس و زکات و خراج را بگیرند و صرف مصالح مسلمین کنند. از جمله اقشار نیازمند حمایت مالی حاکم زنان بی‌سرپرست و بدسرپرست هستند که ضروری است حاکم جهت تأمین معاش اقتصادی آنها، به این قشر توجه ویژه‌ای داشته باشد تا هدف تأمین عدالت اجتماعی نیز محقق شود.

روایات و سیره: در روایات متعددی، به وظایف حاکم اسلامی اشاره شده است و یکی از وظایف حاکم، حمایت از مظلومین و مستضعفان عنوان شده است، چه آنجا که ستمگری حقوق آنها را مورد تفویت و تجاوز قرار داده است و چه زمانی که به دلیل عدم وجود سرپرست و حمایت‌گری، حقوق آنها سلب می‌شود.

فضل بن شاذان از حضرت رضا^(ع) نقل می‌کند: که آن حضرت در بیان علت وجوب اطاعت اولی الامر، اموری را ذکر فرموده: «از جمله آن علت‌ها این است که ما هیچ یک از فرقه‌ها و ملت‌ها را نمی‌بینیم که بدون وجود یک سرپرست و یک رئیس به حیات خود ادامه داده و باقی مانده باشد؛ زیرا برای امر دین و دنیا ناگزیر باید چنین شخصی باشد، بنابراین از حکمت خداوند حکیم به دور است که مخلوقات خود را بی‌سرپرست بگذارد با اینکه می‌داند وجود چنین شخصی برای آنها ضروری است و بدون آن زندگی آنها تباه می‌شود؛ زیرا تحت رهبری او، با دشمنانشان می‌جنگند و درآمدهای ملی و عمویشان را عادلانه تقسیم می‌کنند و به وسیله او نماز جمعه و جماعت برپا می‌دارند و دست ستمگران را از حریم حقوق مظلومین کوتاه می‌کنند...» (قمی ۱۳۹۸ ج ۱: ۲۵۱). و نیز حضرت علی^(ع) می‌فرمایند: بار خدایا تو می‌دانی که آنچه ما به دنبال آن هستیم به خاطر علاقه به سلطنت یا چنگ افکندن به چیزی از حطام دنیا نیست، بلکه بدان جهت است که دین تو را به جامعه بازگردانیم و اصلاح را در شهرهای تو آشکار نماییم، تا بندگان ستمدیده تو امنیت یابند و حدود اجرا نشده تو به اجرا درآید... (نهج البلاغه: خطبه ۱۳۱).

لذا بر حاکم است که با رهبری و سرپرستی خود، مستضعفین جامعه را مورد حمایت خود قرار داده، درآمدهای ملی و عمومی را با هدف حمایت آنها و در جهت بهبود وضعیت معیشتی ایشان به این قشر اختصاص دهد و در مقابل کسانی که حقوق آنها را تضییع می‌کنند، به حمایت از آنها بپردازد. از سوی دیگر در سیره و عملکرد پیشوایان دینی نیز می‌بینیم که لحظه‌ای از تلاش برای انجام تکالیف و اوامر الهی نسبت به مردم و رعیت دریغ ورزیدند و شخص پیامبر اکرم (ص)، ائمه معصومین (ع) و علمای اسلام در اولین قدم با تشکیل حکومت اسلامی تلاش می‌کردند که به اجرای فرامین و اوامر الهی نسبت به رعیت پرداخته و همچون چتری، تمامی افراد جامعه را تحت حمایت خود قرار دهند و نسبت به اقشار محروم و مستضعف جامعه اهتمام و توجه ویژه‌ای داشتند.

لذا بر طبق این روایت و تدقیق در سیره پیامبر و ائمه معصومین، تأمین امنیت یکی از مهم‌ترین مسئولیت‌های حاکم در جامعه، مطرح شده است و حکام جامعه اسلامی مسئولیت افراد جامعه خصوصاً افراد ضعیف‌تر را بر عهده دارند. امام خمینی می‌فرماید: «هرگاه حکومت اسلامی تأسیس شود، همه در سایه قانون با امنیت کامل به سر می‌برند، و هیچ حاکمی حق ندارد برخلاف مقررات و قانون شرع مطهر قدمی بردارد» (امام خمینی ۱۳۸۱: ۷۳) حال آنکه یکی از مستضعف‌ترین اقشار جامعه اسلامی، زنان بی‌سرپرست و بدسرپرست هستند که حمایت حاکم از آنها از اهم امور محول شده بر ایشان است. به منظور تأمین امنیت زنان بی‌سرپرست و بدسرپرستی که به جهت فقدان وجود سرپرست یا عدم ایفای نقش سرپرستی سرپرست ایشان، از جهت مالی و معنوی با مخاطرات زیادی در زندگی مواجه هستند، نیازمند حمایت حاکم در راستای تأمین امنیت مالی و معنوی زندگی آنهاست تا همچون پدری مهربان، امنیت مورد نیاز آنها را فراهم کند.

عقل: از نظر عقلی تشکیل حکومت و وجود حاکم برای ایجاد نظم و عدالت و ارتقای زندگی انسان با دید عقلی ضروری است. ضرورت برقراری نظم در جامعه اسلامی از مسائل مهمی است که نه تنها بر اساس نصوص اسلامی بلکه به عنوان یک ضرورت عقلی مورد اتفاق فقهای اسلام قرار گرفته است. از سوی دیگر، جامعه به فراهم بودن خدمات ضروری همچون امور بهداشتی، درمانی، آموزش و پرورش، وجود کالاهای اساسی و دیگر نیازمندی‌های زندگی اجتماعی نیازمند است (آصفی ۱۳۸۵: ۵۹-۵۸). این نیازمندی‌ها و ارائه خدمات برای اقشار محروم جامعه خصوصاً زنان

بی‌سرپرست و بدسرپرست ضرورت بیشتری می‌یابد تا در سایه فراهم آوردن خدمات ضروری از طرف حاکم جامعه اسلامی برای تمامی افراد جامعه، امنیت جامعه تأمین شود.

ب) جایگاه ولایت فقیه در امور حسبه

از جمله وظایفی که بر عهده ولی فقیه گذاشته شده است، رسیدگی به امور حسبه است. امور حسبه عبارت است از اموری که در جامعه باید باشد و مسئول مشخصی هم ندارد. کلیه این امور بر عهده حاکم شرع یا حکومت اسلامی است. از امور حسبه به امور قریبی هم تعبیر شده، یعنی اموری که برای خداوند و قربت الی الله انجام می‌شود (عمید زنجانی ۱۳۸۸: ۷۲).

لذا حاکم از باب ولایت بر امور حسبه، حمایت از اقشار مستضعف و محروم از جمله امور زنان بی‌سرپرست و بدسرپرست را بر عهده دارد و به عنوان سرپرست جامعه اسلامی، متولی رسیدگی به امور این قشر است. در این خصوص گفته شده است: «در اینکه فقهای واجد شرایط، امور بی‌سرپرست را از باب حسبه واجب است به عهده بگیرند، ظاهراً اشکالی وجود ندارد...» (منتظری ۱۳۸۸ ج ۲: ۳۶۵).

با این مقدمه، امور زنان بی‌سرپرست یا بدسرپرست که از یک سو، بسیار آسیب‌پذیر هستند و از سوی دیگر تربیت فرزندان به عنوان نسل آینده جامعه بر عهده آنهاست، از واجباتی است که بر عهده حاکم گذاشته شده و حاکم به عنوان سرپرست، مسئول رسیدگی به امور آنهاست.

ج) ولایت حاکم بر فاقد ولی

از انشعابات دیگر بحث ولایت حاکم، ولایت بر کسی است که ولی ندارد (السلطان ولی من لا ولی له) و در تعریف از سلطان گفته شده، هر کسی که دارای سلطنت و قدرت است، از نمونه‌هایی که مختص به مقام ولایت است، رسیدگی به امور افراد بی‌سرپرست است: افراد بی‌سرپرست، اشخاصی هستند که ولی و وصی خاصی ندارند، یعنی فرد و جامعه حق دخالت در شئون آن را ندارد و از همین قبیل است مردگانی که ولی و وارث یا وصی نداشته و دین و میراث آنها نیز مشخص نیست. در تمامی این موارد، تنها یک مقام رسمی باید باشد تا رسیدگی به آن امور را بر عهده بگیرد (جوادی آملی ۱۳۶۸: ۱۰۵). لذا نگاهی کوتاه به فقه اسلامی در زمینه اموری که به فقیه سپرده شده، می‌رساند که فقها نوعی ولایت بر اموال غیب و قصر و ایتم و فاقد ولی دارند (نوابی ۱۳۸۱: ۲۹۴).

در خصوص بحث زنان بی سرپرست نیز از آنجا که به دلیل عدم وجود سرپرست، این زنان با مشکلات مالی و معنوی فراوانی روبرو می‌شوند، لازم است حاکم جامعه اسلامی از باب ولایتی که بر افراد بی سرپرست دارد، آنها را تحت پوشش و حمایت خود قرار دهد.

۱-۲) ادله خاص

دسته دیگری از ادله، به‌طور مستقیم به بحث حمایت حاکم از زنان بی سرپرست و بد سرپرست اشاره دارد و حاکم بر طبق این ادله به حمایت از این قشر موظف است:

الف) اخبار و سیره

پیامبر اکرم (ص) و ائمه معصومین (ع) به عنوان حاکم جامعه اسلامی، در جهت رفع مشکلات و تأمین امنیت خانواده‌های زنان بی سرپرست و بدسرپرست اقدام می‌کردند.

در عملکرد این رهبران الهی و روایات نقل شده از آنها، حمایت‌های مختلف از زنان بی سرپرست و بدسرپرست مشاهده می‌شود.

۱- پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: یتیمان و زنان بی سرپرست را سیر کن و نسبت به یتیمان مانند پدری مهربان و برای زنان بی سرپرست همانند شوهری دلسوز باش، تا در عوض این خدمات به‌ازای هر نفسی که در دنیا می‌کشی قصری در بهشت به تو عطا شود که هر قصری بهتر از دنیا و آنچه در آن است می‌باشد (طبرسی ۱۳۸۵: ۱۶۸).

۲- امام صادق (ع) به نقل از پیغمبر (ص) فرمودند: من از هر مؤمنی به خود سزاوارترم و اولویت دارم و پس از من این سزاواری را علی (ع) دارد.

به حضرت عرض شد: معنی این سخن چیست؟ فرمود: فرمایش پیغمبر اسلام است که هر کس بمیرد و از خود بدهی یا بازماندگان بی سرپرست به‌جا گذارد، بر عهده من است (که دینش را ادا کنم و از بازماندگانش سرپرستی نمایم) و هر که بمیرد و مال از خود به‌جا گذارد، از آن ورثه است، پس هر گاه هر فردی بمیرد و مالی نداشته باشد، بر خود ولایت ندارد و چون مخارج عیال خود را نپردازد، بر آنها حق امر و نهی ندارد و پیامبر اسلام (ص) و امیرالمؤمنین (ع) و امامان بعد از ایشان ملزم هستند (که مخارج آنها را بپردازند) (کلینی بی تا: ۲۶۴).

ب) ولایت حاکم بر غایب و ممتنع

بر طبق این دو قسم ولایت، حاکم ملزم به حمایت از زوجه مرد غایب و زوجه مرد ممتنع از پرداخت نفقه می‌شود و ضروری است که حاکم نفقه این دو قشر از زنان بی‌سرپرست و بدسرپرست تأمین نماید.

ولایت بر غایب: در خصوص زوجه‌ای که همسرش غایب است و تکالیف همسرش نسبت به او ایفا نمی‌شود، حاکم موظف است از باب ولایتی که بر شخص غایب دارد، تکالیف او را نسبت به همسرش ایفا کند. مهم‌ترین وظیفه حاکم در قبال زوجه مرد غایب، تأمین نفقه او از بیت المال است، در فرضی که امکان پرداخت نفقه زن از اموال مرد غایب نباشد؛ لذا وظیفه حاکم در این خصوص به شرح ذیل است:

۱- در جایی که شوهر غایب است و مالی هم از او وجود ندارد، در صورتی که مکان زوج مشخص باشد، حاکم شخصی را برای مطالبه نفقه زوجه به سوی او می‌فرستد (فاضل هندی ۱۴۱۶ ج ۷: ۵۹۳).

۲- در زمان غیبت منفق، همسر مرد غایب می‌تواند با امر حاکم، برای تهیه هزینه‌های خود به حساب منفق قرض کند و منفق، پس از حضور موظف است که قرض را ادا کند؛ چرا که حاکم در این موارد بر وی ولایت دارد (نجفی ۱۳۶۷ ج ۳۱: ۳۷۹).

۳- در جایی نیز حاکم موظف به پرداخت نفقه این زنان از بیت المال است:

زنانی که شوهران ایشان گم شده باشند و خبری از ایشان ظاهر نباشد و خویشان نداشته باشند که نفقه زنان ایشان را بدهند و اگر نفقه به ایشان ندهند و آن زنان از نفقه خود عاجز آیند و صبر نکنند، حال خود را به حاکم شرع عرض نمایند. حاکم شرع زن را ملزم می‌کند که چهار سال منتظر بماند و از بیت المال به ایشان نفقه می‌دهد^۱ (شهید ثانی ۱۴۱۳ ج ۹: ۲۸۴).

البته پرداخت نفقه زن از بیت المال، از بزرگ‌ترین مصلحت‌هایی خوانده شده که بیت المال را برای آن تعیین کرده‌اند (فاضل هندی ۱۴۱۶ ج ۸: ۱۲۴). همچنین در خصوص حمایت حاکم از زوجه مرد مفقود، حکم طلاق این زن است. (نجفی ۱۳۶۷ ج ۳۲: ۲۹۳).

۱. این مضمون و مضامین قریب به آن در کتب مختلف فقهی از فقیهان نقل شده است: (شیخ بهایی بی‌تا: ۳۱۶؛ فاضل هندی ۱۴۱۶ ج ۸: ۱۲۲).

ولایت بر ممتنع: مقصود از ممتنع، کسی است که از انجام تکالیف قانونی خویش استنکاف ورزیده یا از رسیدن صاحبان حق به حق خویش، جلوگیری می‌کند. البته منظور امتناع اختیاری است نه قهری. نکته حائز اهمیت آن است که برای احراز امتناع، اجبار حاکم لازم است فلذا مقصود از ممتنع کسی است که حتی در صورت اجبار، از انجام وظیفه خودداری می‌کند.

بدین ترتیب، می‌توان مفهوم این دلیل را اینچنین بیان کرد: هرگاه کسی از ادای حقوق دیگران خودداری کرده یا از انجام تکالیف قانونی خویش امتناع ورزد یا مانع رسیدن افراد به حقوقشان گردد، حاکم جامعه اسلامی می‌تواند به نیابت از وی عمل کند و آنچه وظیفه اوست، از باب ولایت انجام دهد. بنابراین «امتناع» و نیز «وجود حاکم» دو شرط اساسی اجرای این قاعده است. شرط دیگر «مطالبه» و «درخواست صاحب حق» است (محقق داماد ۱۳۸۱: ۲۱۸).

در خصوص مردی که با وجود تمکن مالی نفقه زوجه اش را پرداخت نمی‌کند و از پرداخت آن سرپیچی می‌کند، وظیفه حاکم در این خصوص به شرح ذیل است: ۱- حاکم شوهر را مجبور به پرداخت نفقه می‌کند، در صورتی که شوهر از پرداخت نفقه امتناع ورزد، حاکم مختار است در حبس و تعزیر او یا پرداخت نفقه از مالی که از او ظاهر است به میزان نفقه حتی با فروش اموالش (سبزواری بی‌تاج ۲: ۳۱۰).

۲- در صورت عدم پرداخت نفقه، همسر با امر حاکم می‌تواند برای هزینه‌های خود، به حساب منفق قرض کند و منفق موظف است که قرض را ادا کند، چرا که حاکم در این مورد بر وی ولایت دارد (نجفی ۱۳۶۷ ج ۳۱: ۳۷۹).

۲- اصول و سیاست‌های جمهوری اسلامی در حمایت از زنان بی‌سرپرست و

بدسرپرست

تأمین عدالت اجتماعی از طریق برقراری توازن اجتماعی، فراهم نمودن رفاه عمومی، تأمین امنیت در جامعه، پیشگیری و کاهش مفاسد اجتماعی و ... همگی اصول و سیاست‌هایی هستند که اسلام از چهارده قرن پیش، این اصول و سیاست‌ها را در نظام اجتماعی خود وارد ساخته است. در قانون اساسی، هدف حکومت، رشد انسان در حرکت به سوی نظام الهی بیان شده است و وظایف دولت برای تأمین حقوق مردم به ویژه گروه‌های نیازمند و آسیب‌پذیر از جمله زنان

بی‌سرپرست و بدسرپرست پیش‌بینی گردیده است. در سایر قوانین و مقررات نیز که در سایه همین سیاست‌ها و اصول تنظیم شده است، به حمایت و توجه به این قشر پرداخته شده است. در این بخش سیاست‌های مدنظر حکومت اسلامی با هدف حمایت، رفع مشکلات و تأمین حقوق زنان بی‌سرپرست و بدسرپرست مورد بررسی قرار گرفته است. از آنجا که برقراری عدالت اجتماعی از اهم سیاست‌های حکومت به شمار می‌آید، بحث عدالت اجتماعی بر سایر موارد مقدم است.

۲-۱) عدالت اجتماعی

عدالت، نخستین و مهم‌ترین معیار ارزیابی سیاست‌های اقتصادی و اجتماعی دولت‌هاست چرا که اگر سیاستی، برانگیزاننده احساس بر خورداری از عدالت یا اقامه کننده آن نباشد، با موانع بسیاری مواجه می‌شود. آیات متعددی از قرآن کریم به مسأله عدالت اجتماعی پرداخته است، همانطور که از آیات قرآن برمی‌آید، در اسلام عدالت اجتماعی، فلسفه حکومت است^۱.

همچنین در بیانات پیامبر (ص) و سیره نبوی مؤیدات بسیاری دال بر اهمیت عدالت و ضرورت عدالت پیشگی حکومت و رهبر وجود دارد. (مجلسی ۱۴۱۴ ج ۷۷: ۱۶۵، ۲۴۰، ۳۴۵، ۳۵۲، ۶۷ و ...). نگرش به جایگاه عدالت در حکومت امام علی (ع) نیز به خوبی بیانگر اهمیت والای وظیفه عدالت گسترده و عدالت خواهی نظام و حکومت اسلامی است. عدالت اجتماعی را می‌توان بدین شرح بیان کرد:

اولاً، ایجاد جامعه‌ای متعادل و متوازن، که در آن شهروندان، در ابعاد گوناگون معنوی، اقتصادی، نظامی، فرهنگی، سیاسی، به صورت متوازن و متناسب رشد کنند؛ چرا که رشد و پیشرفت در یک بعد و عقب ماندگی در ابعاد دیگر، جامعه را از حال تعادل خارج می‌کند. ثانیاً، حقوق شهروندان در ابعاد مختلف برآورده شود و تبعیض در بخش‌های مختلف جامعه، در فرصت‌های شغلی، در رسیدگی به اختلافات و نزاع‌ها، در تقسیم بیت‌المال و درآمدهای عمومی و... برچیده شود. گرچه عدالت اجتماعی، به معنای نخست نیز دارای اهمیت است؛ اما معمولاً، در بحث از عدالت اجتماعی معنای دوم که در برابر ظلم و بی‌عدالتی قرار می‌گیرد، مورد

۱. «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ» (حدید: ۲۵)؛ «أَمِرتُ لِأَعْدِلَ بَيْنَكُم» (شوری: ۱۵)؛ «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ» (نحل: ۹۰).

نظر است (ورعی ۱۳۸۱: ۴۴۰)؛ در اندیشه امام خمینی نیز، ایجاد عدالت اجتماعی، اقتصادی و حمایت از محرومان از حیاتی‌ترین اهداف در تأسیس جمهوری اسلامی بود:

با جمهوری اسلامی سعادت، خیر، صلاح برای همه ملت است... مستضعفین به حقوق خودشان می‌رسند؛ تمام اقشار ملت به حقوق حقه خودشان می‌رسند؛ ظلم و جور و ستم ریشه کن می‌شود. در جمهوری اسلامی، زورگویی نیست، در جمهوری اسلامی ستم نیست، در جمهوری اسلامی آزادی است، استقلال است. همه اقشار ملت در جمهوری اسلامی باید در رفاه باشند. در جمهوری اسلامی برای فقرا فکر رفاه خواهد شد؛ مستمندان به حقوق خودشان می‌رسند... عدالت الهی بر تمام ملت، سایه می‌افکند (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۶: ۵۲۵).

امام خمینی مهم‌ترین وظیفه رهبر و حکومت را تحقق و اجرای عدالت در جامعه می‌دانست (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۳: ۵۰۹).

از طرفی به منظور تحقق عدالت اجتماعی، شکی نیست که رفع فقر و جلوگیری از انباشتن بیش از حد ثروت در دست اغنیا و ایجاد غنا و رفاه برای عموم افراد جامعه ضروری است؛ زیرا وجود فقر در جامعه نشان دهنده وجود ظلم است.

بنابراین، عدالت ایجاب می‌کند که نظام اجتماعی در صدد رفع فقر آنان برآید و سوء توزیع را از بین ببرد. برپایی قسط و عدل چه در زمینه ایجاد امکانات (بند ۹ اصل سوم قانون اساسی) برای افراد جامعه، چه در زمینه مسائل اقتصادی (بند ۱۲ اصل سوم قانون اساسی) و چه در زمینه تأمین حقوق و ایجاد امنیت برای تمامی افراد جامعه (بند ۱۴ اصل سوم قانون اساسی)، ریشه کن کردن فقر و محرومیت و ... از اصول مورد توجه قانونگذاری در جمهوری اسلامی بوده است، که در زیر نمونه‌هایی آورده شده است (بند ۱۲ اصل سوم قانون اساسی).

قانون اساسی:

در بند ۶ اصل دوم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نفی هر گونه ستمگری و ستم‌کشی و سلطه‌گری و سلطه‌پذیری و برپایی قسط و عدل و ... مورد توجه قرار گرفته است. در اصل سوم قانون اساسی نیز، برای تأمین این هدف، دولت موظف شده است همه امکانات خود را بسیج کند.

برنامه‌های دوم، سوم، چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی: از طرح‌های ارائه شده در برنامه دوم توسعه: عنایت به مناطق محروم و روستاها با اولویت اشتغال، بهداشت و آموزش، تولید عمران، تعمیر و گسترش و بهبود نظام تأمین اجتماعی ... به منظور پرداخت مستمری به اقشار نیازمند، زنان و کودکان بی‌سرپرست و معلولین؛ توسعه بیمه‌های اجتماعی، تأمین بهداشت عمومی و گسترش بیمه همگانی است.^۱

در برنامه سوم توسعه نیز در اجرای اصل ۲۹ قانون اساسی بر توسعه عدالت اجتماعی تأکید شده است.^۲

ماده ۵۹ برنامه چهارم، بر وظیفه دولت به استقرار عدالت و ثبات اجتماعی اشاره می‌کند. «کاهش فقر و محرومیت از طریق تکیه بر ایجاد درآمد حاصل از اشتغال، برای گروه‌های قادر به کار و ادامه کمک‌رسانی به گروه‌های معلول و نیازمند و...» یکی از موارد تصریح شده در قانون پنج ساله اول توسعه است.

سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴ ش:

برپایی جامعه توسعه یافته با جایگاه نخست اقتصادی، علمی و فناوری در سطح منطقه با تأکید بر عدالت اجتماعی میسر می‌شود.

سایر قوانین:

۱. قانون ساختار نظام جامع رفاه و تأمین اجتماعی؛
 ۲. قانون تأمین زنان و کودکان بی‌سرپرست (مصوب ۱۳۷۱/۸/۲۴ به نقل از تقی زاده ۱۳۸۶: ۲۶)؛
 ۳. آیین‌نامه چتر ایمنی رفاه اجتماعی (مصوب ۱۳۸۴/۳/۲۲ هیأت وزیران، به نقل از تقی زاده ۱۳۸۶: ۵۹)؛
 ۴. سند کاهش فقر (مصوب ۱۳۸۴/۵/۵ هیأت وزیران، به نقل از تقی زاده ۱۳۸۶: ۶۹).
- در بعد اقتصادی، از نظر اسلام با تحقق سیاست‌هایی همچون توازن اجتماعی و تأمین اجتماعی، عدالت اجتماعی محقق می‌شود.

۱-۲- توازن اجتماعی

یکی از سیاست‌های اصولی در مکتب اقتصادی اسلام ایجاد توازن اجتماعی و تعدیل ثروت‌هاست. (تقی زاده ۱۳۸۶: ۴۱۰). در پرتو این سیاست، زمینه‌های لازم برای کسب درآمد برای

۱. برنامه دوم توسعه، خط مشی‌های اساسی، بند ۹ و ۶ و ۵

۲. برنامه سوم توسعه

همگان فراهم می‌شود و از سوی دیگر برای جلوگیری از تمرکز ثروت و شکاف طبقاتی با ابزارهایی که در اختیار حاکم اسلامی است در ثروت‌ها تعدیل صورت می‌گیرد. بنابراین اگر توازن اجتماعی در جامعه‌ای برقرار گردد همگان از سطح قابل قبول زندگی و رفاه نسبی برخوردارند و بدین ترتیب با تحقق توازن اجتماعی، فقر از جامعه ریشه کن می‌گردد (کرمی ۱۳۸۰: ۱۷۶).

بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران می‌فرماید: «اسلام برنامه‌اش این است که مابین فقیر و غنی و نمی‌دانم، کُرد و ترک و لر و اینها فرق نگذارد. همه برادر و همه برابر، و برای همه است» (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۹: ۴۸۵).

۲-۱-۲) تأمین اجتماعی

یکی دیگر از سیاست‌های مکتب اسلام برای تأمین عدالت اجتماعی، تأمین اجتماعی است. هر کسی دوست دارد نسبت به تأمین دوره ناتوانی خود اطمینان خاطر به دست آورد، از این رو در دوره توانایی اقدام به پس‌انداز برای دوره ضعف و ناتوانی خویش می‌کند. ولی نه اینگونه است که همه افراد دوره‌ای از زندگی خویش را در قدرت کامل برای انجام کار به سر ببرند و نه همه آنان توان پس‌انداز لازم را دارند یا در فکر آن هستند. بنابراین تأمین اجتماعی برای ایجاد این اطمینان خاطر در افراد ناتوان و تأمین نیازهای آنان برقرار می‌گردد.

الف) مسئول تأمین اجتماعی

اصل تأمین اجتماعی در اقتصاد اسلامی، به دو گونه انجام می‌گیرد: یکی مسئولیت کفالت عمومی است و دیگری حق جامعه در درآمدهای عمومی دولت است.

۱- کفالت عمومی: بر همه مسلمانان واجب کفایی است که در حدود و شرایط و امکاناتشان به تأمین نیازمندی‌های ضروری سایر برادران خود اقدام کنند، مسئولیت دولت در این باره این است که مردم را به ادای تکلیف شرعی خود وادارد.

۲- کفالت دولت: تنها نیازهای حیاتی افراد به عهده دولت نیست، بلکه تأمین حدّ «کفایت» از زندگی (یعنی حدّی که به طورمتعارف افراد جامعه اسلامی در آن سطح زندگی می‌کنند) بردوش

حاکم است؛ زیرا مسئولیت دولت «اعاله» و اداره زندگی افراد در حد کفایت است (صدر ۱۳۸۹: ۶۶۱).

بر دولت لازم است که هم نیازهای اساسی فرد از قبیل غذا، لباس، مسکن و... را تا سطح کفایت نسبت به شرایط اجتماعی برطرف کند و هم نیازهای غیراساسی را در حد کفایت برطرف کند.

ب) تأمین اجتماعی در قوانین و مقررات

در اصول ۲۹ و ۴۳ قانون اساسی، تأمین اجتماعی مورد توجه واقع شده است.

گذشته از قانون اساسی، قوانین برنامه‌های پنج ساله توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، نیز به این مهم پرداخته‌اند و راهبردهای حمایتی و بیمه‌ای تأمین اجتماعی را در مورد تمامی اقشار جامعه خصوصاً اقشار نیازمند و محروم از جمله زنان بی‌سرپرست و بدسرپرست نیز مورد توجه قرار داده‌اند. منشور حقوق و مسئولیت‌های زنان نیز به این مسأله اهتمام کافی داشته است.^۱ از آنجا که رفع نیاز و احتیاج افراد کم درآمد، نیازمند و آسیب‌پذیر، هدف تحقق تأمین اجتماعی است، زنان بی‌سرپرست، بدسرپرست و خودسرپرستی که از نیازمندترین اقشار جامعه بوده و همچنین بسیار آسیب‌پذیر هستند، مورد توجه ویژه و در اولویت‌بندی این سیاست‌ها و برنامه‌ریزی‌ها در مقوله تأمین اجتماعی است.

۲-۲) رفاه عمومی

نظام اقتصادی اسلام بر خورداری جامعه اسلامی از رفاه نسبی و استفاده از نعمت‌های بیشمار

خداوند را مورد نظر قرار داده است. در بیانات رهبر کبیر انقلاب نیز این مهم دیده می‌شود:

حکومت اسلامی یک نظام عادلانه است؛ ... باید مردم همه در رفاه باشند؛

باید فقرا را برایشان فکر کرد؛ ... حکومت مال همه است، برای همه باید کار

۱. منشور حقوق و مسئولیت‌های زنان در نظام جمهوری اسلامی ایران مصوب ۸۳/۶/۳۱، ماده ۵۷ و ۹۷، به نقل از (تقی زاده ۱۳۸۶: ۵۷).

بکنند. برای ضعفای باید بیشتر کار بکنند تا اینها را برسانند به آن حدها (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۴: ۲۰۱).

و در جای دیگر می‌فرماید:

باید فداکاری کنید در ارجاع مجد و عظمت اسلام که مهمش عظمت معنوی آن است تا در پناه حکومت عدل الهی همه طبقات در رفاه و آسایش زندگی کنند (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۲: ۳۴۷).

از این رو دولت اسلامی موظف به تأمین زندگی آرام و مناسب برای جامعه است و امور اقتصادی را به گونه‌ای برنامه‌ریزی می‌کند که با بهره‌گیری از ابزارهای مشروع و منابع مالی معرفی شده، همیشه جامعه متعالی را فراهم نماید. برای رسیدن به این مهم، ضروری است زمینه‌های رشد و توسعه در جامعه فراهم شود و با آموزش شهروندان و ارتقای سطح فرهنگ و اخلاق جامعه، نیل به این هدف تسهیل یابد.

۱-۲-۲) فراهم ساختن زمینه‌های رشد و توسعه

بی‌شک گسترش آموزش فنی و ارتقای سطح کاردانی نیروهای مولد و کارآمد جامعه، اساس رشد و توسعه کشور را فراهم می‌سازد. همچنین افزایش درآمد جامعه در پرتو رشد و توسعه اقتصادی بر سطح درآمد دولت می‌افزاید و دست دولت را برای رسیدگی به نیازمندان و رساندن آنها به سطح عمومی جامعه باز می‌گذارد و رفاه عمومی جامعه را تأمین می‌نماید. در فرمایشی از امام خمینی به این مهم اشاره شده است:

مهمترین عامل در کسب خودکفایی و بازسازی توسعه مراکز علمی و تحقیقات و تمرکز و هدایت امکانات و تشویق کامل و همه جانبه مخترعین و مکتشفین و نیروهای متعهد و متخصصی است که شهادت مبارزه با جهل را دارند... و نشان داده‌اند که می‌توانند کشور را روی پای خود نگه دارند (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۲۱: ۱۵۸).

«استفاده از علوم و فنون و تربیت افراد ماهر به نسبت احتیاج برای توسعه و پیشرفت اقتصاد کشور» در بند ۷ اصل چهارم و سوم قانون اساسی مورد توجه قرار گرفته است.

۲-۲-۲) آموزش شهروندان و ارتقای سطح اخلاقی و فرهنگی جامعه

یکی از وظایف دولت اسلامی، ایجاد زمینه و شرایط مساعد تعلیم و تربیت شهروندان است، تردیدی نیست که رشد و پیشرفت همه جانبه یک کشور و حل بسیاری از مشکلات یک کشور در پرتو علم، آگاهی، رشد اخلاقی و معنوی مردم است. امام خمینی می‌فرماید:

کوشش کنید در تهذیب اخلاق و در وادار کردن دوستانتان به تهذیب اخلاق... در علم و تقوا کوشش کنید که علم به هیچ کس انحصار ندارد، علم مال همه است، تقوا مال همه است، و کوشش برای رسیدن به علم و تقوا وظیفه همه ماست و همه شماست (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۱۹: ۱۸۴).

دولت جمهوری اسلامی ایران برای نیل به اهداف مذکور موظف شده است همه امکانات خود را به کار برد، این مطلب در اصل سوم و سی قانون اساسی معطوف است.

از هدف‌های کلان برنامه‌های توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نیز رشد اخلاقی و معنوی مردم معرفی شده است. بند ۷۶ منشور حقوق و مسئولیت‌های زنان در خصوص زنان نیز سوادآموزی، ارتقای آموزشی، برخورداری از امکانات آموزش و پرورش را حق آنها دانسته و بر آن تأکید نموده است (آیت‌اللهی ۱۳۸۶: ۴۴۷)؛ از آنجایی که اعتلای مقام زن، نقش اساسی او در خانواده و جامعه از امور مهم محسوب می‌شود، سوادآموزی و ارتقای تحصیلات آنان نیز از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. دولت موظف است که امکانات لازم جهت آموزش و پرورش زنان را در هر حال حتی در دورافتاده‌ترین نقاط کشور تأمین نماید. قانونگذار نظام اسلامی، در خصوص یکی از نیازمندترین و آسیب‌پذیرترین اقشار جامعه، زنان بی سرپرست و بدسرپرست نیز از این مهم غافل نبوده و ضمن قوانین ذیل، به ابزار و سیاست‌های لازم جهت تأمین این حق اشاره نموده است:

در تعریف از حمایت‌های فرهنگی، اجتماعی مدنظر قانون تأمین زنان و کودکان بی سرپرست آمده است: ^۱ حمایت‌های فرهنگی، اجتماعی شامل ارائه خدماتی نظیر خدمات آموزشی (تحصیلی)، تربیتی، کاریابی، آموزش حرفه و فن جهت ایجاد اشتغال، خدمات مشاوره‌ای و مددکاری ... است. آیین‌نامه این قانون نیز این حمایت‌ها را مفصل‌تر به بحث می‌گذارد.^۲

۱. قانون تأمین زنان و کودکان بی سرپرست مصوب ۷۱/۸/۲۴، ماده ۴، بند ۲

۲. آیین‌نامه اجرایی قانون تأمین زنان و کودکان بی سرپرست مصوب ۱۳۷۴/۵/۱۱، مواد ۵۴

دستورالعمل حمایت از افراد و خانواده‌های نیازمند و بی‌سرپرست سازمان بهزیستی^۱ نیز، آموزش حرفه و فن را به منظور سوق دادن این افراد به سوی اشتغال و استقلال مالی و اجتماعی، ضروری دانسته است.

حق برخورداری زنان آسیب دیده و آسیب پذیر اجتماعی از حمایت‌های مناسب به منظور بهبود وضعیت فرهنگی خود و جامعه، از جمله حقوق فرهنگی و معنوی زنان مدنظر منشور حقوق زنان است^۲ و در بند ۱۰۲ منشور نیز، به حق بهره‌مندی زنان از اطلاعات، آموزش‌ها و کسب مهارت‌ها و امکانات کار جهت اشتغال مناسب و حق برخورداری از حمایت در این امور برای زنان خودسرپرست و سرپرست خانوار اشاره شده است.

۲-۲-۲) تأمین امنیت

امنیت از نیازهای اساسی بشر است به طوری که بدون برخورداری از آن، اهداف دیگر بشر مانند عدالت، آزادی، رشد و پیشرفت علمی و معنوی بدست نمی‌آید. از این رو، از دیرباز مورد توجه بوده و تلاش برای وضع قانون و تشکیل حکومت و برقراری نظم در جامعه، برای تأمین این نیاز اساسی انجام گرفته است.

قرآن کریم یکی از اهداف استقرار حاکمیت خدا و استخلاف صالحان و طرح کلی امامت را تحقق امنیت معرفی کرده است. سیره پیامبر اکرم (ص) و امام علی (ع) نیز در دوران حاکمیت نشان می‌دهد که تأمین امنیت مردم، یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های آنان بود. یکی از ویژگی‌های عصر طلایی و آرمان‌های ظهور امام عصر (عج) برقراری امنیت است تا جایی که امام مهدی (عج) خود را مایه امنیت اصل گیتی می‌نامند (مجلسی ۱۴۱۴ ج ۷۸: ۳۸۰، روایت ۱، باب ۳۰).

رهبر کبیر انقلاب در بیانات خود می‌فرماید:

مسلمانان هنگامی می‌توانند در امنیت و آسایش به سر برده، ایمان و اخلاق فاضله خود را حفظ کنند که در پناه حکومت عدل و قانون قرار گیرند-

۱. دستورالعمل حمایت از افراد و خانواده‌های نیازمند و بی‌سرپرست مصوب ۱۳۷۵/۵/۱ سازمان بهزیستی بخش کمک‌های سال غیرمستمر.

۲. منشور حقوق و مسئولیت‌های زنان در نظام جمهوری اسلامی ایران مصوب ۸۳/۶/۳ شورای عالی انقلاب فرهنگی، بند ۷۴.

حکومتی که اسلام نظام و طرز اداره و قوانینش را طراحی کرده است - اکنون وظیفه ماست که طرح حکومتی اسلام را به اجرا در آوریم و پیاده کنیم. امیدوارم که معرفی طرز حکومت و اصول سیاسی و اجتماعی اسلام به گروه‌های عظیم بشر موجهی در افکار به وجود آورد، و قدرتی که از نهضت مردم پدید می‌آید عامل استقرار نظام اسلام شود (امام خمینی ۱۳۸۱: ۱۵۳).

ابعاد مختلف امنیت از جمله امنیت اقتصادی، غذایی، امنیت بهداشت و سلامت، امنیت زیست محیطی، امنیت شخصی، امنیت اجتماع و امنیت سیاسی، تحت عنوان امنیت انسانی مطرح می‌شود. **الف) امنیت اقتصادی:** نظام اقتصادی مورد نظر قانون اساسی، نوعی اقتصاد انسانی با هدف تأمین امنیت انسان‌ها و رهایی بخش آنها از نیاز به مسکن، خوراک، پوشاک، بهداشت، کار، آموزش و پرورش و همچنین رهایی آنها از وحشت گرسنگی، فقر، بیماری، بی‌خانمانی و بی-سوادی است. راهکار قانون اساسی برای استقرار این سطح از امنیت را می‌توان همان راهبرد حفاظت دانست که چنانچه گفته شد از دو وجه حمایت و توانمندسازی تشکیل شده و متولی آن دولت جمهوری اسلامی است. در بند ۱۲ از اصل سوم، اصل چهل و سوم و ... قانون اساسی به این مورد پرداخته است.

ب) امنیت اجتماعی: امنیت اجتماعی شخص به معنی امنیت جان، مال، آبرو و موقعیت اجتماعی شخص از جانب عوامل اجتماعی است یعنی از جانب افراد دیگر، سایر گروه‌ها و حکومت و قانون، جان و مال و آبرو و موقعیت اجتماعی فرد مورد تهدید و خطر قرار نگیرد (اخوان کاظمی ۱۳۸۵: ۲۵).

در اندیشه اسلامی، امنیت اجتماعی را باید در سایه تقوا، عدالت، رعایت حرمت، حقوق انسان‌ها و دفاع از مظلومان و محرومان و برخورد با مفسدان، مجرمان، بزهکاران و رفع فقر، تأمین رفاه و معیشت مردم و حفظ آزادی‌های مشروع و حاکمیت عادلانه، حقانی، قانونی، و معیارهای انسانی و الهی جستجو کرد.

ج) امنیت قضایی و امنیتی شخصی: امنیت قضایی، همچون چتری است که ابعاد دیگر امنیت را پوشش داده و حمایت می‌کند. امام علی^(ع) در منشور مالک اشتر با ترسیم سیمای قضاوت و داوران، به زیبایی و دقت مبحث امنیت قضایی را تشریح نموده‌اند. در این باره، امام در به‌کارگیری قضات شریف، تیزبین و با فضیلت و از خانواده‌های توانا و شایسته برای مسئولیت قضاوت تأکید می‌کنند. ایشان در این فراز، سیزده صفت را برای قاضی و سه وظیفه را برای

دولت در برابر قضاات برمی شمارد که اگر این وظایف دو طرفه درست انجام شود، امنیت قضایی محصول آن خواهد بود (نهج البلاغه: نامه ۵۳).

اما در خصوص امنیت شخصی گفته شده است که امنیت فردی عبارت است از حالتی که فرد از لحاظ جسمی و روحی در آن فارغ از ترس و آسیب رسیدن به جان و مال یا آبروی خود یا از دست دادن آنها زندگی کند (اخوان کاظمی ۱۳۸۵: ۱۸۹). آیات الهی با تأکید بر اصل کرامت و ارزش والای انسان، بر حفظ حرمت و حریم او و امنیت شخصی و مخالفت با هر گونه تعدی به او پای فشرده‌اند. این معنا به ویژه از مقام عالی‌ای که خداوند برای انسان قائل شده، بهتر فهمیده می‌شود و نکته مهم آنکه خداوند در قرآن کریم انسان را در موارد متعددی ستوده است.^۱

در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز امنیت شخصی، عمدتاً ذیل عنوان امنیت قضایی و مصونیت شخصی در برابر تعرض دیگران طرح شده است. تأمین امنیت زنان بی‌سرپرست و بدسرپرست به عنوان قشر آسیب دیده و آسیب پذیر جامعه از اهمیت بسزایی برخوردار است، امنیت اقتصادی در صدر نیازمندی‌های این زنان بوده و به دنبال آن امنیت معنوی این زنان حائز اهمیت است.

محور و اساس حمایت‌ها و اقدامات اجرایی آیین‌نامه قانون تأمین زنان و کودکان بی‌سرپرست، ایجاد امنیت اجتماعی و اقتصادی زندگی این زنان است (مصوب ۱۳۷۴/۵/۱۱ هیأت وزیران، ماده ۱، به نقل از تقی زاده ۱۳۸۶: ۲۹). دستورالعمل حمایت از افراد و خانواده‌های نیازمند و بی‌سرپرست سازمان بهزیستی نیز محور و اساس حمایت‌ها و اقدامات سازمان را ایجاد امنیت برای خانواده‌های تحت پوشش خود خوانده است (مصوب ۱۳۷۵/۵/۱ به نقل از تقی زاده ۱۳۸۶: ۳۶).

تمامی اقدامات تقنینی و اجرایی در خصوص حمایت از زنان بی‌سرپرست و بدسرپرست، اعم از حمایت‌های اقتصادی و توانبخشی، اجتماعی و فرهنگی در راستای تأمین امنیت این زنان است. منشور حقوق و مسئولیت‌های زنان در بند ۳۸ خود به حق بر خورداری مادران از امنیت مادی و معنوی خصوصاً در ایام سالمندی و از کارافتادگی اشاره می‌کند. تمامی حقوق شناخته شده در منشور برای زنان بی‌سرپرست، بدسرپرست و خودسرپرست با هدف اعتلای امنیت اقتصادی و اجتماعی این زنان است.

۱. (مؤمنون: ۱۴؛ بقره: ۳۰، ۳۴؛ احزاب: ۷۲؛ فصلت: ۵۲؛ اسراء: ۷۰؛ کهف: ۲۲؛ انسان: ۳؛ نحل: ۱۲۱؛ جائیه: ۱۳: ۲۹).

از سویی دیگر امنیت فردی و اجتماعی این قشر از زنان که با مخاطرات زیادی به خصوص از سوی جامعه روبرو هستند، نیازی ضروری است که دولت، به عنوان متکفل امور جامعه موظف به تأمین این نیازهاست. در خصوص مدیران و همکاران در محیط‌های شغلی این زنان، اعضای خانواده، همسران سابق، همسران نالایق فعلی آنان و سایر افراد جامعه، تأمین امنیت مالی، جانی و آبرویی این زنان مستضعف از اهمیت بسزایی برخوردار است. لذا چنانچه اشاره شد در راه تأمین هدف امنیت و ارتقای آن در جامعه، یکی از اصلی‌ترین وظایف حکومت، تلاش برای کاهش و پیشگیری از مفاسد و انحرافات اجتماعی است.

۴-۲-۲) پیشگیری از مفاسد و انحرافات اجتماعی

مصلحان اجتماعی که در رأس آنها انبیا و رهبران الهی قرار دارند همواره با احساس مسئولیت و تکلیف، چنین رسالتی را بردوش کشیده و بر اساس مبدأ و معاد، راهکار ویژه‌ای برای اصلاح فرد و جامعه ارائه داده‌اند (آقاخان‌ی ۱۳۸۱ ج ۱۷: ۶۷).

اما در خصوص زنان، علی‌رغم آنچه گمان می‌شده است زن با آفرینش ویژه خود نقش حساس و پراهمیتی برعهده دارد، اما همین آفرینش ویژه و ظرافت‌های زنانه غالباً از سوی زنان و مردان به انحراف گراییده و گاه جنایت‌های وحشتناک آفریده است. در توصیه‌های امام خمینی به زنان آمده است:

اسلام زن را مثل مرد در همه شئون - در همه شئون - همان طوری که مرد در همه شئون دخالت دارد زن هم دخالت دارد. همان طوری که مرد باید از فساد اجتناب کند، زن هم باید از فساد اجتناب کند. زنها نباید ملعبه دست جوانهای هرزه بشوند. زنها نباید مقام خودشان را منحط کنند و خدای ناخواسته بزک کرده بیرون بیایند و در انظار مردم فاسد قرار بگیرند. زنها باید انسان باشند. زنها باید تقوا داشته باشند.... همه قوانین اسلامی برای صلاح جامعه است. آنها که زنها را می‌خواهند ملعبه مردان و ملعبه جوانهای فاسد قرار بدهند خیانتکارند. زنها نباید گول بخورند؛ زنها گمان نکنند که این مقام زن است که باید بزک کرده بیرون برود با سر باز و لخت! این مقام زن نیست؛ این عروسک بازی است نه زن (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۶: ۳۰۱-۳۰۰).

از آنجا که زنان بی‌سرپرست و بدسرپرست، بیش از سایر اقشار زنان در معرض این آسیب‌ها هستند، تأمین امنیت فردی این زنان و خانواده‌های آنها ضروری است. با توجه به این مبنا می‌بینیم که قوانین و برنامه‌های جمهوری اسلامی نیز از این مهم غافل نبوده‌اند.

در قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی آمده است، دولت مکلف است به منظور پیشگیری و کاهش آسیب‌های اجتماعی نسبت به تهیه طرح جامع کنترل و کاهش آسیب‌های اجتماعی، با تأکید بر پیشگیری از اعتیاد به مواد مخدر، مشتمل بر محورهای اقدام نماید.

در مصوبه اهداف و اصول تشکیل خانواده، ایمن سازی خانواده از آسیب و بحران‌های اجتماعی و حمایت از خانواده‌های آسیب دیده، هدف هفتم مطرح شده است و به منظور تأمین این هدف، ابزاری مطرح شده است:

(۱) ارتقای آگاهی اعضای خانواده نسبت به هنجارها و ناهنجاری‌ها و آسیب‌های اجتماعی و خانوادگی به منظور برخورد صحیح با مشکلات و بحران‌های زندگی.

(۲) محافظت و جلوگیری از آسیب‌پذیری خانواده، از طریق مبارزه همه جانبه با ناهنجاری‌ها و آسیب‌های اجتماعی (اعتیاد، طلاق، فرار و ...).

(۳) اتخاذ تدابیر مناسب جهت حمایت از خانواده‌های آسیب‌دیده و کاهش ضایعات ناشی از بحران‌های خانوادگی و اجتماعی.

(۴) حمایت از زنان و کودکان در برابر هرگونه تعرض اعضای خانواده نسبت به حقوق آنان و ناهنجاری‌های رفتاری آنان.

۵-۲-۲) حفظ کرامت و شأن زن و نهاد خانواده

کرامت زن در اسلام از همان آغاز ظهور این دین عظیم الشان با وجود شخصیت‌های بزرگی چون حضرت خدیجه^(س)، حضرت زهرا^(س)، فاطمه بنت اسد و... موجودیت و استمرار یافت. رهبر کبیر انقلاب در خصوص جایگاه و شأن زنان می‌فرمایند:

زن انسان است؛ آن هم یک انسان بزرگ. زن مربی جامعه است، از دامن زن

انسانها پیدا می‌شوند. مرحله اول مرد و زن صحیح، از دامن زن است. مربی

انسانها زن است. سعادت و شقاوت کشورها بسته به وجود زن است. زن با

تربیت صحیح خودش انسان درست می‌کند؛ و با تربیت صحیح خودش کشور را آباد می‌کند. مبدأ همه سعادت‌ها از دامن زن بلند می‌شود. زن مبدأ همه سعادت‌ها باید باشد (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۷: ۳۳۹).

بند ۲ منشور حقوق و مسئولیت‌های زنان نیز، اصل ۲ قانون اساسی، همچنین چشم انداز جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴ هجری شمسی به این مهم پرداخته‌اند. قانون تأمین زنان و کودکان بی‌سرپرست (مصوب ۱۳۷۱/۸/۲۴)، در جهت حفظ شئون و حقوق اجتماعی زن و کودک بی‌سرپرست، این قشر از افراد را تحت پوشش حمایت‌های خود قرار می‌دهد.

در دستورالعمل حمایت از افراد و خانواده‌های نیازمند و بی‌سرپرست (مصوب ۱۳۷۵/۵/۱ سازمان بهزیستی)، حفظ حرمت و شخصیت مددجویان، از اولین مراجعات آنها ضروری دانسته شده است؛ لذا ضروری است تمامی حمایت‌ها و اقدامات توان‌بخشی و بازتوانی سازمان‌ها و نهادهای دولتی و غیر دولتی، با حفظ کرامت و شأن زنان بی‌سرپرست و بدسرپرست صورت بگیرد.

و در نهایت در خصوص جایگاه و شأن خانواده باید گفت اسلام به عنوان مکتبی انسان‌ساز، بیشترین عنایت را به تکریم، تنزیه و تعالی خانواده دارد و این نهاد مقدس را کانون تربیت و مهد مودت و رحمت می‌شمرد و هدف از تشکیل خانواده را دستیابی به سکون و آرامش برمی‌شمارد. دستیابی به این اهداف والای مکتب اسلام نیازمند توجه جدی به خانواده و پیاده کردن قوانین آن در اسلام است و ضروری است کلیه سیاست‌گذاری‌ها در تمام سطوح، در راستای تعالی و مصالح خانواده باشد.

امام خمینی در خصوص جایگاه خانواده می‌فرماید:

نقش خانواده و خصوص مادر در نونهالان و پدر در نوجوانان بسیار حساس است؛ و اگر فرزندان در دامن مادران و حمایت پدران متعهد به طور شایسته و با آموزش صحیح تربیت شده و به مدارس فرستاده شوند، کار معلمان نیز آسانتر خواهد بود. اساساً تربیت از دامن پاک مادر و جوار پدر شروع می‌شود و با تربیت اسلامی و صحیح آنان استقلال و آزادی و تعهد به مصالح کشور پایه‌ریزی می‌شود (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۱۵: ۲۴۵).

لذا در مقدمه قانون اساسی، در اصل دهم، در سیاست‌های کمی برنامه چهارم توسعه نیز حفظ نهاد خانواده تأکید شده است.

ضروری است زنان بی‌سرپرست و بدسرپرستی که دغدغه اصلی آنها حفظ نهاد خانواده‌اشان و سلامت فرزندان‌شان است، مورد توجه قانونگذاران و برنامه‌ریزان قرار گیرند. حمایت حکومت از خانواده‌های این زنان برای حفظ شأن ایشان، و موقعیت این زنان در خانواده، همچنین فراهم آمدن زمینه تربیت نسل سالم و با ایمان، مسئول و مؤثر در رشد و ترقی خانواده و جامعه، از اهم امور نظام جمهوری اسلامی است.

۶-۲-۲) رعایت حقوق شهروندی

حقوق شهروندی عبارت است از مجموعه حقوقی که در نظام حقوقی کشور به شهروندان آن، با لحاظ کردن دو اصل کرامت انسانی و منع تبعیض در جهت فراهم سازی رشد شخصیت فردی و اجتماعی آنها تعلق می‌گیرد. حقوق شهروندی دسته اول، حقوقی که تک‌تک شهروندان نسبت به یکدیگر دارند و باید رعایت نمایند که نهاد اجتماعی آن بخش از حقوق شهروندی در مصادیق حقوق خصوصی است و لیکن بخش اعظمی از حقوق شهروندی، حقوقی است که باید توسط دولت و حکومت نسبت به شهروند رعایت گردد (افشار ۱۳۸۸).

قانون برنامه چهارم توسعه در ماده ۱۰۰، دولت را موظف کرده است که به منظور ارتقای حقوق انسانی «منشور حقوق شهروندی» را تنظیم و به تصویب مراجع ذی ربط برساند. پیاده شدن تمامی اصول و سیاست‌هایی که مطرح شد توسط حکومت اسلامی، در حقیقت رعایت حقوق شهروندی توسط حکومت است و با اجرایی کردن آنها تمامی حقوق مربوط به شهروندان و از جمله آنان زنان بی‌سرپرست و بدسرپرست محقق شده است.

حقوق شهروندی مورد اشاره در قانون اساسی با توجه به ابعاد گوناگون آن به شرح زیر است:

۱- حقوق سیاسی - اجتماعی شهروندان: در اصول ۳، ۹، ۲۳، ۲۵، ۲۶، ۲۷ بدان پرداخته شده است.

۲- حقوق اقتصادی و رفاه اجتماعی: در اصول ۲۸، ۲۹، ۳۱، ۴۶ بدان پرداخته شده است.

۳- حقوق قضایی: در اصول ۳۲، ۳۳، ۳۴، ۳۵، ۳۷، ۳۸ و ۳۹ بدان پرداخته شده است.

۴- حقوق فرهنگی: در اصول ۲۰ و ۳ بدان پرداخته شده است.

با اجرای تمامی این حقوق توسط حکومت، اصل رعایت حقوق شهروندی محقق شده است و از آنجا که زنان بی‌سرپرست و بدسرپرست نیز از جمله شهروندانی هستند که نیاز به حمایت و

توجه ویژه حکومت دارند، لذا رعایت این اصول و سیاست‌ها در خصوص آنان از جایگاه و اهمیت بیشتری برخوردار است و یکی از اهداف حکومت، تحقق حقوق شهروندی در خصوص آنان است.

نتیجه‌گیری

۱- با وجود قوانین نسبتاً کافی در زمینه حقوق زنان، اما به دلیل عدم برنامه‌ریزی و مدیریت صحیح و وجود فرهنگ حاکم بر جامعه، زنان از فرصت‌ها و موقعیت‌های کافی برای اجرا و احقاق این حقوق برخوردار نیستند. در مورد زنان باید پذیرفت که در ایجاد فرصت‌ها و موقعیت‌های نابرابر، خود نیز نقش مؤثری را ایفا می‌کنند. بالا رفتن سطح آموزش و تحصیلات و آگاهی‌های عمومی، شانس زنان را در تغییر عرف و فرهنگ حاکم بر جامعه و ایجاد فرصت‌های برابر با مردان افزایش می‌دهد. این مسأله باعث می‌شود تا زنان در مواقع بروز مشکلات و حوادثی نظیر بی‌سرپرستی با خودباوری و تفکری صحیح، مشکلات خود و فرزندانشان را رفع نمایند.

۲- بی‌سرپرستی امروزه تنها بار بی‌سرپرست بودن را با خود حمل نمی‌کند بلکه در پس آن، تمامی ابعاد شخصیتی، رفتاری، روانی و اجتماعی را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

یک زن بی‌سرپرست در صورتی که تأمین حداقل شرایط زندگی با مشکلات همراه باشد، اگر مرتکب اقدامات خلاف قانون و کارهای ناهنجار شود، دور از تصور نیست. در خصوص زنان بدسرپرست نیز باید گفت که این زنان با مشکلات عدیده‌ای مواجهند؛ به ظاهر سرپرستی زندگی آنها با مرد است اما نه تنها از سرپرستی شایسته‌ای برخوردار نیستند بلکه به جهت آنکه ظاهراً سرپرست دارند از بسیاری از حمایت‌های قانونی محرومند.

۳- بر کسی پوشیده نیست که رسیدن به منزلت‌های اجتماعی برای زنان بی‌سرپرست و بدسرپرست، با حمایت‌های کنونی و فرهنگ حاکم بر جامعه، بعید به نظر می‌رسد.

۴- از جمله مواردی که به این قشر از جامعه، امید و نشاط می‌بخشد و مایه تحرک و دلگرمی بیش‌تر آنها می‌شود، تأمین زندگی و روشن بودن وضعیت آینده این قشر است. وظیفه فراهم آوردن امکانات و زمینه احقاق حقوق زنان بی‌سرپرست و بدسرپرست بر عهده دولت است.

۵° لذا بر طبق منابع معتبر فقهی: حاکم جامعه اسلامی به عنوان سرپرست جامعه ملزم به حمایت از زنان بی سرپرست و بدسرپرست است در بحث از مبانی الزام حاکم به حمایت از این زنان، به دو دسته ادله اشاره شد: ادله عام و ادله خاص.

۶- با عنایت به این آموزه‌های اسلامی و توجه به نقش و جایگاه مردم و بسط عدالت و رفع فقر و محرومیت، برقراری توازن و تأمین اجتماعی، فراهم نمودن رفاه عمومی و رشد و توسعه و خودکفایی و درنهایت تأمین امنیت و نظم در جامعه و پیشگیری و کاهش مفاسد و انحرافات اجتماعی و...، نظام جمهوری اسلامی ایران همواره توجه ویژه‌ای را به زنان داشته و همانگونه که در بیانات مکرر بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران مشاهده می‌گردد، درک ارزش و جایگاه انسانی زن و کوشش در جهت ارتقای سطح کیفی زندگی زنان جامعه، از اهم وظایف حکومت و دولت بوده است؛ در این میان زنان بی سرپرست و بدسرپرست به لحاظ آسیب‌پذیر بودن و نیازمندی و احتیاج بیشتر، مورد توجه خاص حکومت بوده‌اند.

منابع

- آصفی، محمد مهدی. (۱۳۸۵) *مبانی نظری حکومت اسلامی، بررسی فقهی تطبیقی*، ترجمه محمد سپهری، تهران: مجمع تقریب مذاهب اسلامی، معاونت فرهنگی.
- آقاجانی، نصرالله. (پاییز ۱۳۸۱) «استراتژی قرآن در مواجهه با انحرافات اجتماعی»، *کتاب زنان*، انتشارات شورای فرهنگی - اجتماعی زنان.
- آیت‌اللهی، زهرا. (۱۳۸۶) *شرح منشور حقوق و مسئولیت های زنان در نظام جمهوری اسلامی ایران*، تهران: امور زنان و خانواده نهاد ریاست جمهوری.
- اخوان کاظمی، بهرام. (۱۳۸۵) *امنیت در نظام سیاسی اسلام*، تهران: کانون اندیشه جوان.
- افشار، اسدالله. (۱۴ آبان ۱۳۸۸) تاریخچه حاکمیت، قانون اساسی و حقوق شهروندی در ایران، به نقل از www.tabnak.ir/fa/news/71432
- امام خمینی، سید روح الله. (۱۳۸۱) *ولایت فقیه (حکومت اسلامی)*، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س)، چاپ و نشر عروج.
- _____ . (۱۳۸۵) *صحیفه امام (دوره ۲۲ جلدی)*، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س)، چاپ و نشر عروج، چاپ چهارم.
- تقی زاده، مرضیه و طیبه آرتیدار. (۱۳۸۶) *زنان سرپرست خانوار در آئینه قانون*، تهران: انتشارات سوره مهر.

- جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۶۸) *ولایت فقیه*، تهران: مرکز نشر فرهنگی رجاء.
- سبزواری، محمد باقر بن مؤمن. (بی تا) *کفایه الاحکام*، قم: مؤسسه نشر اسلامی.
- شهید ثانی، زین الدین بن علی جبعی عاملی. (۱۴۱۳ق) *مسائلک الافهام الی تنقیح شرائع الاسلام*، قم: مؤسسه معارف الاسلامیه.
- شیخ بهایی، محمد بن حسین. (بی تا) *جامع عباسی*، تهران: مؤسسه انتشارات فراهانی.
- صدر، محمدباقر. (۱۳۸۹) *اقتصادنا*، بیروت: دارالفکر.
- طبرسی، علی بن حسن ابوالفضل. (۱۳۸۵) *مشکاه الانوار*، نجف: کتابخانه حیدریه.
- عمید زنجانی، عباسعلی. (۱۳۸۸) *بایسته های فقه سیاسی*، تهران: انتشارات مجد.
- فاضل هندی، محمد بن حسن. (۱۴۱۶ق) *کشف اللثام عن قواعد احکام*، قم: مؤسسه نشر اسلامی.
- قمی، محمد بن علی بن حسین بن بابویه. (۱۳۹۸) *توحید*، قم: جامعه مدرسین.
- کرمی، محمدمهدی و محمد پورمند. (۱۳۸۰) *مبانی فقهی اقتصاد اسلامی*، تهران: سمت.
- کلینی، محمد بن یعقوب. (بی تا) *اصول کافی*، ترجمه سید جواد مصطفوی، تهران: نشر فرهنگ اهل بیت (ع).
- مجلسی، محمدباقر. (۱۴۱۴ق) *بحار الانوار*، بیروت: مؤسسه الوفاء.
- محقق داماد، مصطفی. (۱۳۸۱) *قواعد فقه*، تهران: مرکز نشر علوم اسلامی.
- منتظری، حسینعلی. (۱۳۷۰) *مبانی فقهی حکومت اسلامی*، ترجمه محمد صلواتی، تهران: نشر متفکر.
- نجفی، محمد حسن. (۱۳۶۷) *جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام*، تحقیق: عباس قوچانی، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- نوابی، علی اکبر. (۱۳۸۱) *نظریه دولت دینی*، تهران: دفتر نشر معارف.
- ورعی، جواد. (۱۳۸۱) *حقوق و وظائف شهروندان و دولتمردان*، قم: دبیرخانه مجلس خبرگان رهبری.